

خبر

دریک گزارش پژوهشی اعلام شد ابعاد خام‌فروشی مواد معدنی در زنجیره فولاد ایران

● در صورت تداوم شکاف قیمتی میان داخل کشور و قیمت‌های جهانی، همچنان صادرات مواد خام و نیمه‌خام جذابیت خواهد داشت و تولیدکنندگان تمایلی به عرضه محصولات خود در داخل کشور نخواهند داشت.

به گزارش خبرنگار مهر، این روزها موضوع وضع عوارض بر صادرات برخی مواد معدنی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اما و اگرهای بسیاری را میان فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. واقعیت این است که سیاست وضع عوارض از سوی دولت برای صادرات مواد معدنی، موافقان و مخالفان بسیاری دارد که هر گروه، بر ایده‌های اصلی خود بافشاری می‌کنند.

بر این اساس، «خام‌فروشی» را نمی‌توان ذاتا پدیده‌ای مثبت یا منفی تلقی کرد و راهبردهای اقتصادی، صنعتی و تجاری هر کشوری در مواجهه با این پدیده متفاوت است.بر اساس گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تدوین کرده، در سال ۱۳۹۷، از حدود ۴۶۰ میلیون تن انواع مواد معدنی استخراج‌شده از معادن کشور، حدود ۲۵ میلیون تن ماده معدنی به صورت خام یا فرآوری‌شده (کنسانتره) صادر شده که سهم آن از کل مواد معدنی استخراج‌شده از معادن کشور دانه‌بندی شده با عرضه به داخل به روند فعالیتی خود ادامه دهند و هم خام‌فروشی در مواد معدنی به صفر برسد.

حدود ۹۰ درصد از مواد معدنی صادرشده، مربوط به انواع سنگ‌های ساختمانی و تزئینی، سنگ‌آهن دانه‌بند، کنسانتره و گندله سنگ‌آهن بوده است. بیش از ۳۷۵ میلیون تن از مواد معدنی استخراج‌شده از معادن کشور (بدون درنظرگرفتن شن و ماسه) به عنوان ماده اولیه در زنجیره ارزش محصولات معدنی و فلزی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

بخش عمده‌ای از این مواد معدنی در واحدهای فرآوری و صنایع معدنی کشور به محصولات نیمه‌خام مانند شمش فولادی (بیلت، بلوم و اسلب)، کاند مس، شمش آلومینیوم، شمش روی و بخش دیگری به محصولاتی چون ورق، تیرآهن، میلگرد، سیم و کابل، قطعات خودرو، لوازم خانگی، لوازم و تجهیزات ساختمانی و… تبدیل شده‌اند.

سیاست‌های دولت در کنترل دستوری قیمت داخلی مواد معدنی و فلزی و کاهش ارزش پول ملی، جذابیت صادرات محصولات معدنی و فلزی خام و نیمه‌خام را برای فعالان اقتصادی و تجاز افزایش داده است؛ به طوری که وزارت صمت مجبور به تعیین کف عرضه و الزام تولیدکنندگان به عرضه محصولات خود در بورس کالا، برای تضمین تأمین نیاز داخل شده که چالش‌های زیادی را برای فعالان بخش معدن و صنایع معدنی ایجاد کرده است.

بر این اساس، سیاست‌گذاری برای توسعه زنجیره ارزش محصولات مختلف معدنی و فلزی نیازمند بررسی شرایط خاص هر زنجیره، ظرفیت‌ها، عرضه و تقاضای داخلی و روندهای حاکم بر بازارهای جهانی است که حتی می‌تواند به صورت مقطعی تغییر یابد و باید از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد. هدفمندنبودن سیاست‌های حمایتی، دخالت غیراصولی دولت در مدیریت بنگاه‌های اقتصادی و قیمت‌گذاری دستوری محصولات معدنی و فلزی در داخل کشور و ایجاد شکاف قیمتی با قیمت‌های جهانی، امکان توسعه متوازن زنجیره ارزش محصولات معدنی و فلزی را از بین می‌برد.

در حال حاضر و با توجه به آمارهای رسمی،

سهم صادرات محصولات خام یا با ارزش افزوده پایین در حوزه مواد معدنی در مقایسه با محصولات توزیع‌شده در داخل قابل توجه نیست و عمده مواد معدنی استخراج‌شده از معادن کشور به عنوان ماده اولیه در زنجیره ارزش تولید مورد استفاده رانده می‌گیرند.

برقراری توازن در زنجیره ارزش محصولات معدنی و فلزی و توسعه این زنجیره نیازمند بازنگری جدی در راهبردها و سیاست‌های اجرایی است.

ادامه از صفحه ۲

واقع بین باش، هیچ چیز انخواه
داویموند با بهره‌گیری از کار درماکنگر بیان می‌کند که راز موفقیت افراد در مقابله با بحران «تغییر انتخابی» است. افرادی که با موفقیت برمشکلی فائق می‌شوند تمایل دارند با شناسایی و تفکیک مشکل منخص کنند که «چه بخش‌هایی از شخصیتشان از قبل به‌خوبی کار می‌کنند و نیاز به تغییر ندارند و چه بخش‌هایی از کار افتاده‌اند و باید عوض شوند». اکنون پرسش این است آیا جریان (رسمی) اصلاح‌طلبی پذیرای چنین تغییر انتخابی هست؟ به بیان دیگر، آیا این جریان برای تدبیر هنگامه‌های انتخاب و تغییر جامعه خود گریز و گزیری جز دیدن خود به‌مثابه یک «مشکله» و تغییر انتخابی بخش‌های ازکارافتاده و ارواق‌شده خود دارد؟

شرق؛ مجلس بعد از گذشت هشت سال از رأی قبلی که بر حذف وزارت بازرگانی حکم داده بود، دیروز رأی به تشکیل مجدد این وزارتخانه داد. در دولت دهم و در روزهایی که نقل‌وانتقال از پایتخت و ادغام‌های فله‌ای به‌جای کارهای اساسی در دستور کار محمود احمدی‌نژاد بود، وزارت بازرگانی با صنعت و معدن وقت ادغام شد. وزارتخانه جدید که صمت نام گرفت، چند سال طول کشید که مراحل قانونی را طی کند و سربرگ‌های جدید با نام صمت همین دو سال قبل منتشر شد. حالا با رأی جدید مجلس، باز هم همان مسیر پریچ‌وخم برای تولید سربرگی دیگر باید طی شود. این در حالی است که تصمیم این‌بار مجلس حداقل دو هزار میلیارد تومان برای دولت آب می‌خورد؛ اما رسانه‌ها نوشته‌اند که دولت لابی سنگینی برای تشکیل وزارت بازرگانی انجام داده است. محمود دودانگه،

معاون سابق وزیر صنعت، درباره اینکه آیا این ادغام می‌تواند برای کشور مفید باشد، به «شرق» می‌گوید: اینکه ما به رویکرد سنتی وزارت بازرگانی بازگردیم و مانند سابق نگاه تنظیم بازاری و نگاه‌تمرکز بر موضوعات اجرایی و عملیاتی را دنبال کنیم و از بازرگانی نوین و تمرکز و توجه بر صادرات خبری نباشد، نمی‌تواند برای اقتصاد کشور مفید باشد.دیروز مجلس در صحن علنی با ۱۳۲ رأی موافق، ۷۸ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۲ نماینده حاضر در جلسه با کلیات تشکیل «وزارت تجارت و خدمات بازرگانی» موافقت کردند. براساس گزارش مهر، رأی مجلس با لابی گسترده دولتی‌ها حاصل شده است. البته پیش از رأی‌گیری در مجلس، از آنجا که در وزارت صمت حسین مدرس خیابانی، قائممقام وزیر صمت، در این وزارتخانه شده بود و با تصویب سران سه قوه، وظایف بازرگانی کشاورزی نیز از وزارتخانه متولی بخش کشاورزی جدا و به وزارت صمت منتقل شده بود، می‌شد حسد زد که بدنه دولت با تشکیل وزارتخانه جدید به‌شدت موافق است، اما به‌درستی مشخص نیست که دولت چه سیاستی را در این وزارتخانه پیگیری می‌کند و آیا تشکیل آن به نفع کشور هست یا نه.

موافقان و مخالفان تشکیل وزارت بازرگانی

اخبار منتشرشده درباره اظهارات موافقان و مخالفان تشکیل وزارت بازرگانی نشان می‌دهد که گویا کمیسیون‌های مجلس هم در تصمیم‌سازی برای تشکیل این وزارتخانه یک‌دست نبوده است، در حالی که احمدعلی کیخا به‌عنوان رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی و به‌عنوان موافق تشکیل وزارت بازرگانی سخن می‌گوید، علی ابراهیمی، سخنگوی کمیسیون کشاورزی، از مخالفت اعضای این کمیسیون با تشکیل وزارت جدید خبر می‌دهد.در صحن علنی دیروز مجلس سیدناصر موسوی‌لارگانی در مخالفت با طرح تشکیل وزارت تجارت و خدمات بازرگانی، می‌گوید: تشکیل وزارتخانه جدید هزینه‌های زیادی برای دولت دارد. همچنین محمد حسینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه در مخالفت با این طرح، بیان می‌کند: تشکیل این وزارتخانه مغایر با برنامه

اقتصاد

مجلس به تشکیل وزارت بازرگانی رأی داد

هزینه ۲ هزار میلیارد تومانی ایجاد وزارتخانه جدید



ششم توسعه است.

سیدتقی کبیری، عضو هیئت رئیسه کمیسیون اقتصادی نیز دیگر مخالف تشکیل وزارتخانه جدید بود. او علت مشکلات اقتصادی کشور را ضعف مدیریتی و تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به برخی کالاها اعلام کرده و یادآور می‌شود: مشکلات فعلی کشور ربطی به تفکیک و ادغام وزارتخانه ندارد.

به گفته کبیری با تشکیل وزارت بازرگانی هزینه‌ها مضاعف می‌شود و طی محاسباتی که انجام شده، تفکیک این وزارتخانه دو هزار میلیارد تومان هزینه خواهد داشت.

مخالف و ۸ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۲ نماینده حاضر در جلسه با کلیات تشکیل «وزارت تجارت و خدمات بازرگانی» موافقت کردند. براساس گزارش مهر، رأی مجلس با لابی گسترده دولتی‌ها حاصل شده است. البته پیش از رأی‌گیری در مجلس، از آنجا که در وزارت صمت حسین مدرس خیابانی، قائممقام وزیر صمت، در این وزارتخانه شده بود و با تصویب سران سه قوه، وظایف بازرگانی کشاورزی نیز از وزارتخانه متولی بخش کشاورزی جدا و به وزارت صمت منتقل شده بود، می‌شد حسد زد که بدنه دولت با تشکیل وزارتخانه جدید به‌شدت موافق است، اما به‌درستی مشخص نیست که دولت چه سیاستی را در این وزارتخانه پیگیری می‌کند و آیا تشکیل آن به نفع کشور هست یا نه.

اخبار منتشرشده درباره اظهارات موافقان و مخالفان تشکیل وزارت بازرگانی نشان می‌دهد که گویا کمیسیون‌های مجلس هم در تصمیم‌سازی برای تشکیل این وزارتخانه یک‌دست نبوده است، در حالی که احمدعلی کیخا به‌عنوان رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی و به‌عنوان موافق تشکیل وزارت بازرگانی سخن می‌گوید، علی ابراهیمی، سخنگوی کمیسیون کشاورزی، از مخالفت اعضای این کمیسیون با تشکیل وزارت جدید خبر می‌دهد.در صحن علنی دیروز مجلس سیدناصر موسوی‌لارگانی در مخالفت با طرح تشکیل وزارت تجارت و خدمات بازرگانی، می‌گوید: تشکیل وزارتخانه جدید هزینه‌های زیادی برای دولت دارد. همچنین محمد حسینی عضو کمیسیون برنامه و بودجه در مخالفت با این طرح، بیان می‌کند: تشکیل این وزارتخانه مغایر با برنامه

ارتباط بین پیشرفت کشورها وتعداد وزارتخانه‌ها

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی به بررسی نظرات مخالفان و موافقان تشکیل وزارت بازرگانی پرداخته و تصمیم‌گیری در



زمینه تشکیل این وزارتخانه را به مجلس‌ها واگذار می‌کند. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است که تعداد وزارتخانه‌ها در هر کشوری به پیشرفت کشورها به ارتباط است. به اعتقاد کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس، در بسیاری از کشورها خصوصا کشورهای جنوب شرق آسیا که رشد سریع صنعتی آنها به معجزه آسیایی مشهور شده است، از الگوی ادغام دو حوزه تجارت و صنعت و مدل «میتی» ژاپن استفاده کرده‌اند و کشورهای کره‌جنوبی، هنگ‌کنگ، مالزی و سنگاپور از جمله این کشورها هستند. در کشورهای بزرگ صنعتی مثل آمریکا، آلمان، روسیه و فرانسه نیز دو حوزه صنعت و تجارت ادغام شده‌اند ولی عموما شبیه ساختار وزارت اقتصاد ایران در سال ۱۳۴۱ اداره می‌شوند. در مقابل کشورهای زیادی مثل ترکیه، کانادا، انگلستان، ایتالیا، چین، بلژیک و اندونزی دارای وزارت بازرگانی مستقل از وزارت صنعت هستند اما در همه این کشورها سیاست‌های تجاری و صنعتی به صورت متمرکز و هماهنگ تصمیم‌گیری و اجرایی می‌شود.

تصمیم‌سازی بدون توجه به سوابق ادغام

بر اساس تصمیم مجلس باید تعداد وزارتخانه‌های ایران از ۱۹ وزارتخانه (با درنظرگرفتن وزارتخانه جدید میراث فرهنگی) به ۲۰ وزارتخانه برسد البته تشکیل وزارت بازرگانی در انتظار تأیید شورای نگهبان است. محمود دودانگه کارشناس اقتصادی و معاون سابق وزیر صنعت در گفت‌وگو با «شرق» درباره تیعات این ادغام عنوان می‌کند: بارها این را گفته‌ام که تصمیمی که در مجلس گرفته می‌شود، تصمیمی است که بدون توجه به فلسفه و سابقه ادغام وزارت صنایع و معادن و بازرگانی اتخاذ می‌شود. در تصمیم‌سازی‌ها با اشراف کامل درباره اینکه چه اتفاقاتی در طول دوره‌های مختلف افتاده است، وجود ندارد یا اینکه فرآیندها به‌درستی بررسی نشده است. اگر آسیب‌شناسی کاملی درباره این موضوع انجام می‌شد، می‌توانستیم به نتیجه بهتری برسیم.

او اضافه می‌کند: باید بدانیم که وزارت بازرگانی بعد از تأیید شورای نگهبان، تشکیل وزارت بازرگانی را برای انجام مأموریت‌های خود دنبال کند.

اگر مصوبه مجلس مورد تأیید شورای نگهبان قرار بگیرد، باید یک نقشه راه برای عملیاتی‌کردن این تصمیم داشته باشیم تا تشکیل وزارت بازرگانی اثربخشی خوبی در اقتصاد کشور داشته باشد.

دودانگه تأکید می‌کند: اینکه ما به رویکرد سنتی وزارت بازرگانی بازگردیم و مانند سابق نگاه تنظیم بازاری و نگاه‌تمرکز بر موضوعات اجرایی و عملیاتی را دنبال کنیم و از بازرگانی نوین و تمرکز و توجه بر صادرات خبری نباشد، تشکیل وزارتخانه جدید نمی‌تواند برای اقتصاد کشور مفید باشد، بنابراین خیلی مهم است از این به بعد ما هم یک نقشه راه منسجم برای ایجاد وزارت بازرگانی داشته باشیم و هم یک مدل نوین برای این مسئله ایجاد کنیم. این مدل باید کارایی لازم برای شرایط فعلی و شرایط آتی که نگاه ما به اقتصاد مقاومتی است را داشته باشد.

او اضافه می‌کند: نگاه ما یک نگاه برون‌گرایی است و نگاهی است که باید صادرات‌محور باشد و تمرکز دولت و وزارت بازرگانی آینده بر این باشد که اصل ۴۴ را به معنای واقعی کلمه پیاده کنیم و دولت نگاه حاکمیتی خود را داشته باشد و بخش خصوصی و تشکل‌ها جایگاه خود را داشته باشند.

به گفته معاون وزیر صنعت قطعا این ادغام‌ها و جداکردن‌ها هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم و پنهان دارد. طبیعتا قبل از اتخاذ چنین تصمیمی مجلس و دولت باید آنالیز و تحلیل کاملی انجام می‌داند و طبیعتا تصمیم مناسب اتخاذ می‌کردند. او ادامه می‌دهد: نمی‌دانم مجلس در تصمیم‌سازی‌ها تحلیلی از نظر هزینه انجام داده است یا نه اما بعید می‌دانم چنین تحلیلی انجام شده باشد. در شرایط فعلی که نیاز به تمرکز بیشتر داریم و نیاز به هماهنگی کامل‌تر داریم اینکه عدم تمرکز در بخش‌های مختلف ایجاد کنیم، خیلی قابل توصیه نیست. ولی جدا از این موضوع طبیعتا ایجاد یک وزارتخانه جدید یعنی هزینه‌هایی قابل توجه در ساختار دولت و ساختار اقتصادی کشور ایجاد خواهد شد.

دودانگه عنوان می‌کند: از سوی دیگر با تشکیل وزارتخانه جدید بخش عمده‌ای از فعالان اقتصادی بلا تکلیف می‌شوند که این بلا تکلیفی هزینه‌های مستقیم و پنهان قابل توجهی دارد که به عدد و رقم قابل احصا نیست. نمی‌خواهم به تصمیمی که گرفته شده است نگاه منفی داشته باشم. باید تمرکز ما در بخش خصوصی، دولت و مجلس این باشد که تصمیم را چگونه اجرا کنیم که اثربخشی خود را داشته باشد و فعالان اقتصادی بتوانند با شرایط بهتر کسب‌وکار را دنبال کنند.او می‌گوید: آنچه در حال حاضر باید به آن توجه کرد این است که وزارت بازرگانی‌ای ایجاد کنیم که همه امورات بازرگانی در کشور با تمرکز کامل و کارآمدی کامل اداره شود. باید مدل مفهومی که برای وزارت بازرگانی در شرایط فعلی لازم است، نهایی شود و بر اساس آن، ساختار وزارت بازرگانی چیده شود.

در شرایط فعلی تمرکز باید روی این موضوع باشد بعد از تأیید شورای نگهبان، تشکیل وزارت بازرگانی با اثربخشی و کارآمدی بالا عملیاتی و اجرایی شود.

دهک

راه کنترل نارضایتی اجتماعی در حذف یارانه:

شیب کم قطع یارانه‌ها

راضیه شیخ‌رضایی*

● مرحله جدیدی از قطع یارانه‌ها امسال آغاز شد در صورتی که همچنان جامعه از اجرایی‌شدن حذف یارانه‌ها دل نگران هستند. چنانکه برخی از مسئولان و چهره‌های جامعه بخاطر شدت این دل نگرانی، نسبت به حذف یارانه بدبین بوده‌اند و اساسا در مخالفت با حذف یارانه‌ها صحبت کرده‌اند. یکی از استدلال‌های مخالفان اجرای این طرح، مسئله ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی بوده است. چنانکه در وضعیت کنونی اقتصادی، نباید فشار بیشتری بر مردم تحمیل کرد، در نتیجه پرداخت یارانه‌ها به شیوه قبلی ادامه پیدا کند. پرداخت یارانه‌ها به تمامی اقشار جامعه اشتباه‌کنیدی این طرح بود، چنانکه عده‌ای آن را انداختن سنگی انتهای چاه می‌دانستند زیرا یکی از استدلال‌ها این است که هرگونه حذف یا تغییر در پرداخت یارانه‌ها برای مردم ایجاد توقع و نارضایتی می‌کند. بنابراین در طول سال‌های اخیر، دولت کمتر علاقه‌ای به اصلاح این طرح داشت. اگر بخواهیم استدلال‌های مخالفان اصلاح طرح یارانه و قطع یارانه اقشار پردرآمد را از این منظر که حذف یارانه منجر به نارضایتی اجتماعی می‌شود، مرور کنیم، می‌توان نکات زیر را بیان کرد: یکی از این استدلال‌های همیشگی پیش‌روی حذف یارانه‌ها را می‌توان چنین خلاصه کرد: «امروز وقت مناسبی نیست چون نارضایتی به بار می‌آورد». به عبارتی، از این منظر تأکید می‌شود که دولت‌مردان باید پیش‌شرط‌هایی را اجرا کنند، اوضاع اقتصادی را بهبود ببخشند، سپس یارانه‌ها حذف شود. حذف یارانه‌های نقدی می‌تواند باعث گسترش نارضایتی و فشار بر طبقات ضعیف جامعه شود. همین‌طور یکی از انتقادات اصلی رسانه‌ها به دولت این است که چرا برای جبران کسری بودجه و رسیدگی به بحث اشتغال و سایر مسائل با فساد اقتصادی گسترده مبارزه نمی‌کند و قصد دارد از سر و ته یارانه‌ها بزند. بنابراین برای جلوگیری از نارضایتی مردم ابتدا به ساکن می‌بایست فساد اقتصادی برطرف شود و آنگاه نسبت به حذف یارانه‌ها اقدام شود. استدلال دیگری که به نارضایتی مردم ارجاع داده می‌شود، این است که به شکایات مردمی رسیدگی نمی‌شود، چنانکه محسن بیگلری، نماینده مجلس در آذرماه ۱۳۹۷ گفته بود: نه تنها یارانه دهک‌ها که در آمد بالا حذف نشد و کسی انصراف نداد بلکه به اشتباه یارانه برخی از خانوار کم درآمد هم حذف شد. از آنجایی که رسیدگی به این مسئله زمان بر است، نارضایتی‌هایی بین مردم ایجاد شده است. در انتها می‌توان به مهم‌ترین دلیل نگرانی اشاره کرد این که حذف سه دهک جامعه منجر به نارضایتی می‌شود و در نتیجه‌گیری استدلال بر این تأکید می‌شود که دولت یارانه‌ها را نباید قطع کند. هرچند پرهیز از التهاب عمومی و دامن زدن به تنش‌های اجتماعی نکته راهبردی مهمی است، اما برای رفع نگرانی نسبت به بروز نارضایتی مردم در این زمینه تدابیری از سوی دستگاه‌های مسئول اندیشیده شده است؛ درخصوص سرپرست خانوارهایی که یارانه‌شان قطع می‌شوند، آنها می‌توانند شکایت خود و بررسی پرونده‌شان را بدون مراجعه‌های حضوری و مکرر به طور اینترنتی پیگیری کنند از دلایل حذف یارانه خود مطلع شود که بر حسب چه معیاری یارانه آنان قطع شده است و چنانکه بارها دولت اعلام کرده است، افرادی که در حق آنان اجحاف شده است، یارانه آنان دوباره وصل خواهد شد. پس در مورد اقشاری که یارانه آنها به اشتباه قطع شده، جای نگرانی وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر، اگر حاکمیت بتواند با مجموعه اقداماتی چرخ‌های تولید و اشتغال را به کار ببندازد، گذشتن از دریافت یارانه نقدی برای بسیاری از اقشار چندان دشوار نیست اما طرح این مسئله به عنوان پیش شرط قطع یارانه اقشار پردرآمد منطقی نیست؛ چرا که همیشه پیش‌روی هریک از اقدامات دولت، می‌توان لیستی از بیش شرط‌ها را آماده کرد. مهم عزم و اراده دولت در قطع یارانه پردرآمدها است که تصمیم دارد به سطح کمتری از نارضایتی تن دهد تا از یک نارضایتی گسترده در آینده جلوگیری کند. در نهایت می‌توان گفت که شیب حذف یارانه‌ها به طوری برنامه‌ریزی شده است تا کمترین تنش و نارضایتی ایجاد شود. چنان‌که شیب حذف یارانه‌ها براساس صدک‌ها صورت می‌گیرد. بنا به گفته ریعی، سخنگوی دولت، در مرحله اول این کار به «صدک»، «صدک» و «صدک»‌ها بالا حذف می‌شوند که ممکن است هفتصد تا هشتصد هزار نفر را در برگیرد. این که بار یک ۳۰ میلیون نفر در آستانه حذف از یارانه‌ها قرار بگیرند امکان‌پذیر نیست، بلکه منطقاً این طرح آهسته آهسته اجرا و تکمیل می‌شود؛ به نحوی که هر جا، هر فردی شناسایی بشود که با استانداردها و شاخص‌ها مطابقت ندارد، یارانه‌اش حذف می‌شود. چنان‌که این روش از حذف، منطق بر پژوهش هیوا رحیمی نیا و بیت‌اله اکبری‌مقدم با عنوان «آثار اصلاح یارانه‌ها بر نابرابری رفاهی در ایران» (۱۳۹۵) است زیرا به پیشنهاد این پژوهش با کاهش شیب حذف یارانه‌ها و اجرای مرحله‌ای آن می‌توان از کاهش یک باره رفاه خانوارهای شهری و عواقب ناشی از آشوب‌های اجتماعی آن کاست. به طوری که خانوارها فرصت بیشتری برای تطبیق دادن رفتار اقتصادی خود با شرایط جدید خواهند داشت.

● **کارشناس پژوهشی مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه**
پیکری مستمر سیاست‌کنارزدن ایران از بازار انرژی در ۴۰ سال گذشته فارغ از هر دولتی که در آمریکا بر سر کار بوده و تکیه بیش از حد و ظرفیت سیاست‌مداران ایرانی بر سلاح نفت به‌تدریج ایران را از گردونه تجارت نفت و انرژی حذف کرده به‌گونه‌ای که با وجود تنش و بحران در منطقه خلیج فارس بین آمریکا و عربستان با ایران، توقیف نفت‌کش‌ها، جبن یمن، عدم حضور ونزوئلا در بازار نفت به‌دلیل تحریم‌های آمریکا، بحران و درگیری‌های مستمر در لیبی و جلوگیری از فروش نفت ایران از سوی آمریکا، شاهد تلاطم و افزایش قیمت در بازارهای نفتی در اثر این رویداد‌های منفی در بازارهای بین‌الملل نبودیم. این در حالی است که رشد اقتصادی چین، هند و کره جنوبی مستثیران نفت ایران بدون نفت ایران نیز ادامه دارد و کاهش رشد اقتصادی چین ربطی به تحریم نفت ایران ندارد. واقعیت‌های بازار نفت و انرژی از جمله تولید نفت شیل و همچنین سرمایه‌گذاری‌های عظیم بر روی انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک به‌ویژه در چین و کاهش مستمر تولید نفت در گاز و در ۴۰ سال گذشته در ایران این کشور را به‌تدریج در معاللات انرژی کم‌آثر کرده و در نتیجه تیغ نفت برش گذشته خود را از دست داده است.حمله به تأسیسات نفتی عربستان پس از تنش‌ها پیرامون عبور نفت‌کش‌ها از تنگه هرمز که باعث بازکردن پای نیروهای نظامی کشورهای نه چندان دوست در خلیج فارس زیر عنوان ائتلاف دریایی شده است نشان می‌دهد نفت همواره تیغی در دست انحصارهای سرمایه‌داری جهانی بوده و نوبت آن است که کشورهای نفت‌خیز خواهند بین‌المللی‌کردن حق استفاده از نفت و گاز برای همه کشورها اعم از صادرکنندگان و مصرف‌کنندگان فارس. – تبدیل آن از یک اسلحه به یک کالای استراتژیک در خدمت صلح و پیشرفت اقتصادی بشوند.